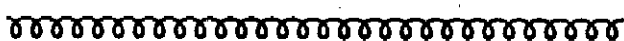


## حقوق عام یا کامن لا



«در کتاب بسیار سودمند و ارزنده پروفیسور داوید  
فصلی درباره حقوق انگلستان و توسعه و تکامل آن  
نوشته شده که این مقاله ترجمه بخشی از آنست.»

### پیدایی و شناسائی

قرون وسطی در انگلستان دوره تشکیل محاکم سلطنتی و توسعه صلاحیت آنها  
از يك طرف و آغاز تکامل کامن لا<sup>۱</sup> از طرف دیگر است. بطوریکه در ابتدای  
پادشاهی سلسله تودورها<sup>۲</sup> در ۱۴۸۵ محاکم محلی دادگاههای فئودالی از اعتبار  
افتاد و کامن لا روش معمولی حقوق انگلستان و آئین قضا در آن سامان گردید.  
با این حال رقیبان سرسخت کامن لا یعنی حقوق مذهبی<sup>۳</sup> و حقوق دریاسالاری<sup>۴</sup>  
دوش بدوش آن به زندگی خود ادامه میدادند. بقسمی که اولی در مورد وصیت و  
ازدواج و اموری که تحت سلطه کلیسا بود حکومت داشت و دومی در امور تجاری و  
دریائی جاری بود. باین ترتیب محاکم حقوق مذهبی بر مبنای قوانین کلیسایی و  
دادگاههای حقوق دریاسالاری بر اساس حقوق رم و عرف و عادت قضاوت میکردند و  
هر دو از کامن لا (حقوق عام) جدا و متمایز بودند.  
این دو رقیب که در جامعه حقوقی انگلستان با هم منشا آثار بودند هر یک  
بنحوی دچار تغییر و تحول در جهت توسعه و تکامل حقوق افراد گردیدند.

- 1) Common Law
- 2) Tudors
- 3) Droit Canon (or) Fiction
- 4) Admiralty Law

در این سیر تطور محاکم مذهبی مقرراتی را اجرا میکردند که از قانون کلیسای روم جدا بود و اختصاص به کلیسای انگلیس داشت و دادگاههای امیرالبحری با صلاحیت محدود، و از جمله خروج دعاوی تجارتي زمینی از دائره اختیار آن به کار خود ادامه میدادند و این قبیل اختلافات را به محاکم و ستمینستر احاله میکردند.

علت محدود شدن محاکم کلیسایی و دادگاههای دریاسالاری<sup>۵</sup> و توسعه کامنلا این بود که انگلستان قدرت قاره‌ای خود و استهلاک در افکار اروپائی را برکنار نهاده و میکوشید خود را از افکار نوین قاره اروپا دور نگاهدارد. باین ترتیب جزیره منزوی انگلستان از جهت جلوگیری از تسری و نفوذ حقوق اروپائی تلاش میکرد که محاکم سلطنتی یعنی مظهر و جلوه‌گاه کامنلا تقویت شود.

اما خود این امر بجهت قدرت سلطنت تهدیدی بود برای کامنلا. خاصه آنکه رقیب سرسخت دیگری به نام حقوق انصاف<sup>۶</sup> در برابر آن نمودار بود. ولی نباید فراموش کرد که عدالت سلطان اقتضا میکرد که در برابر شاکیان که به تصمیمات و اقدامات خلاف اعتراض داشتند با صدور امریه خاصی با این عبارت که «ایمان و وجدان را در رسیدگی به شکایت راهنمای خود سازید» محاکم و ستمینستر را به «راه خدا و امر خیر» هدایت نماید و امکان دهد که محاکم مزبور به پیشرفت کامنلا کمک نمایند.

سکته و عارضه‌ای که پس از جنگ معروف به «دوگل سرخ» باین روش وارد گردید فراموش کردنی نیست. زیرا در این موقع شورای سلطنتی یکی از اعضای خود را به عنوان مهرداد سلطنتی<sup>۷</sup> مأمور ساخت که به مراجعات و شکایات مردم با قدرت و اختیار کامل رسیدگی کند و اختیارات وسیع همین مقام شامخ موجب شد که محاکم مزبور بر مبنای وجدان و انصاف رأی دهند.

باین ترتیب خودنمائی و استقلال انصاف در برابر کامنلا بیشتر از پیش نمایان گردید.

هرچند محاکم و ستمینستر تلاش کردند و با پارلمان اتحاد نمودند و خواستند که عدالت را از چنگ استبداد و قدرت شخصی رهائی بخشند توفیق زیاد بدست نیاوردند و فقط توانستند با تجویز اختیارات و رویه چانسلر<sup>۸</sup> در برابر تخلفات وی ایستادگی نمایند.

بعلاوه شخص سلطان که اختیاراتش با تفویض نمایندگی به محاکم کامنلا و دادگاه مهرداد توسعه یافته بود، میخواست با ایجاد محاکم جدیدی قدرت خود را گسترش دهد.

(۵) مذهبی و امیرالبحری.

6) Equity

7) Chancellor

(۸) مهرداد سلطنتی.

همچنانکه ادوارد اول و ادوارد دوم هر وقت میخواستند در دادگاه حاضر میشدند و به‌صندلی قضا تکیه میکردند جاک اول هم ادامه این روش را خواستار بود.

اما محاکم و ستمینستر در برابر این تمایل ایستادگی نمودند و با محاکمی که نتیجه قدرت‌طلبی سلاطین بود به‌جدال پرداختند.

از جمله این محاکم میتوان دیوان ستاره<sup>۹</sup> و دادگاه عرایض<sup>۱۰</sup> را که اولی به‌امور جنائی و دومی به‌مرافعات مدنی کم‌اهمیت رسیدگی میکردند نام برد و در پایان مقاومت و مبارزه به‌فتح محاکم و ستمینستر منجر شد.

### تغییرات در محاکم و ستمینستر:

با این حال دادگاههای و ستمینستر دچار تحولات گردیدند و از جمله این تحولات این بود که آراء محکمه مالی خزانه‌داری<sup>۱۱</sup> که دارای سازمان جداگانه‌ای بود پژوهش‌پذیر تلقی گردید و طبق فرمان سال ۱۵۸۵ در دعاوئی که دربار سلطنتی طرح میکرد یکی از قضات محکمه مالی خزانه‌داری جزء دادرسان دادگاه‌های عرفی گردید. ب علاوه در ۱۸۳۰ قانون جدیدی تحول دیگری در محاکم مالی ایجاد کرد و محاکم مزبور مرجع استینافی آراء محاکم دادخواست‌های عرفی<sup>۱۲</sup> شناخته شدند و کرسی سلطان<sup>۱۳</sup> مستقر گردید و پادشاه برای خود محکمه مالی (اکسچکر) برقرار ساخت و ازین پس کرسی سلطان جنبه استینافی خود را نسبت به دادخواست‌های عرفی از دست داد و محکمه مالی از قضاتی تشکیل شد که از دو محکمه خزانه‌داری و عرف انتخاب میگردیدند.

با وجود تمام این تغییرات دیوان لردها<sup>۱۴</sup> مافوق تمام سازمانهای قضائی قرار

داشت.

### نتیجه مقاومت:

ایستادگی محاکم کامن‌لا در برابر محکمه مهرداد سلطنتی و مبارزه‌ای که درگرفت واقعه مهمی در تاریخ حقوق انگلستان بشمار میرود و بررسی آن نهایت ضرورت را دارد:

مهرداد سلطنتی یا صدراعظم یکنفر روحانی بود که پادشاه در برابر وی اعتراف<sup>۱۵</sup> میکرد و باصطلاح اعتراف‌گیرنده سلطان<sup>۱۶</sup> بشمار میرفت و ازین جهت

- 9) Star Chambers
- 10) Court of requests
- 11) Eocchaer Courts
- 12) Plaids Communs
- 13) Banc de roi
- 14) Chambre des Lords
- 15) Confession
- 16) Confesseur

شایستگی اخذ تصمیم از طرف پادشاه را داشت و هر وقت شکایت یا دادخواستی برای دادخواهی از عدالت سلطان میرسید و شاه آنرا میپذیرفت مهرداد با دخالت خود به توسعه اختیارات قضائی سلطان کمک میکرد و در اکثر دادرسی‌ها حضور مییافت و شخصاً ریاست محاکم عالیه را برعهده داشت که مختص دادخواست‌های مهم بود و فرمان‌های سلطنتی ۱۷ بانجا احاله میشد.

از ۱۳۴۹ مهرداد اعظم میتوانست به تنهایی به کرسی قضاوت نشیند ولی در عمل بعضی از اعضای شورا بوی کمک مینمودند و پاره‌ای از امور را بدون مداخله مهرداد به شورا ارجاع میکردند و رسیدگی با خود شورا بود و بتصریح تاریخ از ۱۴۷۴ است که مهرداد به تنهایی بارویۀ «انصاف» تصمیم گرفت. معذک محکمۀ شورای سلطنتی در ۱۴۸۳ باین امر به مخالفت پرداخت.

باین ترتیب ارجاعات محاکم و ستمینستر و صلاحیت آنها افزایش مییافت و در عین حال فوق‌العاده نادر بود که به صلاحیت شورای سلطنتی اعتراض کنند و حتی کاملاً طبیعی میدانستند که شورای پادشاهی مهرداد را برای انجام قضاوت‌های خاصه تعیین نماید. زیرا مهرداد که اداره «وجدان شاه» بدستش بود میتوانست هادی وی به عدالت و مانع از لغزش وی شود و انجام فریضه دادگستری را که خاص مقام سلطنت بود برعهده گیرد.

پیشرفت این جریان در دخالت صدراعظم در امور قضائی دلیل قاطعی بود که کاملاً بر توسعه قلمرو خود بمنظور ایستادگی در برابر قدرت افزایش دهد و باین ترتیب بجائی رسید که محاکم و ستمینستر در قرن ۱۵ امکان آنرا یافتند که در رسیدگی به اختلافات میان ارباب و رعیت صلاحیت خود را اعلام دارند. بنابراین می‌بینیم که در مسیر عدالت‌گستری مداخله مهرداد به گسترش محاکم و ستمینستر و افزایش صلاحیت آنان منجر شد.

همانطور که دیدیم شورای سلطنتی باعث تحدید قدرت قضائی مهرداد اعظم بود ولی چون جنگ دوگله سرخ موجب تغییراتی شد و هائری هفتم از سلسله تودور به تخت سلطنت تکیه زد شورا ضعیف شد و مهرداد از ضعف شورا استفاده کرد و مستقلاً قدرت قضائی خود را اعمال نمود و محاکم و ستمینستر شاهد توسعه قدرت مهرداد بودند و کم‌کم جنبه روحانی موضوع هم از بین رفت و مهرداد بجای اینکه روحانی باشد از میان رجال سیاست انتخاب میگردد و ازین پس مهرداران نه تنها «انصاف و وجدان» را در صدور احکام و فرامین توسعه میدادند بلکه اگر لازم میدانستند در کامن‌لا هم مداخله میکردند و آنرا تغییر میدادند.

باین ترتیب با آنکه کامن‌لا که بوسیله محاکم و ستمینستر اجرا میشد تحت تأثیر مقررات جامد و رویه قضائی مغالطه و سفسطه بیجان و دچار خفقان گردید باز هم راه تکامل را می‌پیمود.

روش جمود و آئین مغالطه و سفسطه چنین بود که شاکیان و صاحبان

حقوق نمیتوانستند با سادگی از محاکم سلطنتی بخواهند که درباره آنان اعلام حق کنند و با آنکه قضاوت‌های امرا و اربابان و افراد با نفوذ محلی در مقابل محاکم و ستمینستر به انحطاط گزاشیده بود با این حال گرفتاری به فرامین و قواعد سابقه باقی بود و از دادخواهان میبایستی پیش از هر چیز ثابت کنند که نوع دعوی در صلاحیت محاکم سلطنتی میباشد.

بنابراین جز رایتهای ۱۸ محاکم عالی را نمیتوانستند در محاکم و ستمینستر طرح نمایند. یعنی دعوائی قابل طرح بود که قبلاً فرمانی در آن خصوص یا نظیر مورد صادر شده باشد و فرمانهای جدیدی از قبیل «این کزیمیلی» ۱۹ و «آکشن آن دکیس» ۲۰ و «ترسپس» ۲۱ بتدریج برقرار گردید. باین معنی که خواهان مورد خاص دادخواست خود را اعلام و تطبیق آنرا با فرمان (رایت) اثبات میکرد و در واقع «عمل به مورد» را توجیه مینمود.

بعضی از این رایتهای مثل ترسپس منبع کیفری داشت ولی بتدریج در امور مدنی قابل استناد تلقی گردید و در موارد تصرف عدوانی یا خسارت برای کلاهبرداری و اتلاف و افتراء و نظائر اینها پذیرفته شد.

از همین رایتهای و ضابطه‌های کامن‌لا که بطور ساده کیس ۲۲ نامیده میشد موضوع مجازات عدم انجام تمهید ۲۳ و استرداد ملک منضوب ۲۴ نشئت کرد که امروز هم برقرار است.

### ارتقاء و گسترش تدریجی:

ارتقاء کامن‌لا تدریجی و آهسته بود و با آنکه روش دادرسی دادگاه‌های و ستمینستر نسبت به دادگاه‌های امرا ترقی قابل توجه کرده بود ولی حالت بغرنج و پیچیده داشت. رویه‌های مختلف بر آن باز میکردند تا نتایج منطبق بر اصول قرون وسطائی بدست آورند. مثل اینکه خواهان در مطالبه مال خود میبایستی اعلام دارد که:

- ۱- مال مزبور گم شده.
  - ۲- خواننده آنرا پیدا کرده و تصاحب نموده.
- و خواننده حق نداشت دو مطلب اول را انکار کند و فقط میتواندست نکته دیگری را ذکر کند مثل اینکه بگوید وی هم آن مال را گم کرده است.
- باین ترتیب انتخاب روش دادرسی و رایت متناسب پیچیده‌ترین و مشکلترین مسائل بود و عدم مهارت در انتخاب آن منجر به شکست میشد و تشریفات سنگینی

- 18) Right
- 19) In Casimili
- 20) action on the case
- 21) Trespass
- 22) Case
- 23) assumpsit
- 24) Trevor

مانند سدی در برابر شاکیان و صاحبان حقوق بود.

این موضوع یکی از موانع ترقی سریع کامن‌لا و برعکس از موجبات ارتقاء تدریجی آن بود و حال آنکه محاکم مہررداری با چنین وضع مشکل و پیچیده مواجد نبودند.

یک امر دیگر محافظه‌کاری و سنت‌پرستی است که کامن‌لا را در چارچوب عادات و سوابق زندانی کرده و از توسعه آن به موازات نیازمندیهای جدید ناشی از رستاخیز علمی و ادبی و اجتماعی رنسانس و اکتشافات دریائی و ترقیات صنعتی و تجارتی جلوگیری میکرد و حال آنکه کامن‌لا برای مردم عادی عبارت از قضاوت برمبنای عدالت و منطبق بود نه گرفتاری روش‌ها و عادات و سوابق.

بنابراین غیرمنتظره نبود که سختی سیستم دادرسی و اتخاذ روش‌های بفرنج از طرف محاکم و ستمینستر و اجرای قواعد کامن‌لا موجب پیشرفت محاکم مہررداری شود. بویژه آنکه استبداد سلطنتی سبب تسهیل و تسریع دادرسی در این محاکم بود و بعلاوه حقوق رم باتهام موجودیت‌خود میتوانستند مورد استفاده در محاکم مہررداری و بالتیجه موجب تضعیف کامن‌لا گردد.

منظره محاکم و ستمینستر در دوره رنسانس بوسیله ماتیلاند<sup>25</sup> در کتاب قانون انگلیس و رنسانس<sup>26</sup> بطور جالبی نقاشی شده است که چگونه محاکم مزبور خلوت شده است و چه خطری کامن‌لا را تهدید میکند.

در تمام مدت قرنهای پانزدهم و شانزدهم که اروپا را رنسانس تغییرقیافه داده و انگلستان حالت جزیره‌ای را به خاصیت قاره‌ای ترجیح داده بود نیروی استبداد سلطنتی هائری هشتم والیزابت موجبات توسعه محاکم مہررداری را فراهم میکرد. در این وضع چانسلر درست همان حاکم رومی<sup>27</sup> بود که مأموریت وی در امر قضا عبارت از صدور رایت‌ها و عمل به فورمولهای مشخص بود.

اما، با آنکه محاکم مہررداری اصول دادرسی خاصی برمبنای عدالت و اخلاق و وجدان تحت عنوان «انصاف» ایجاد کرده و قدرت سلطنتی آنرا پیشرفت داده بود و مقام سلطنت و محاکم مہررداری و صدراعظم تصور میکردند که حقوق رنسانس انگلیس همان رویه خاص آنانست معذک جریان امر خلاف آنرا به ثبوت رسانید. باین معنی که اصول خانی و اربابی و سلطنتی باتمام زرنگی‌ها و قدرت‌نمایی‌های مہرردار و تهدید محاکم و ستمینستر به تعطیل و خلع قضات در برابر اصول ملی کامن‌لا نتوانست تاب مقاومت بیاورد و پارلمان انگلیس و محاکم و ستمینستر با تمایل قطعی به محدود کردن قدرت قضائی مقام سلطنت بمنظور توسعه کامن‌لا که واجد آداب و رسوم ملی و سنت‌های عدالتخواهی و تضمینات قهری برای حفظ و گسترش آزادی بود اعلام نظر کرد.

25) Uatiland

26) English law and the Renaissance

27) Pretor

با پشتیبانی پارلمان بود که در آغاز قرن هفدهم محاکم وستمینستر مبارزه قطعی و آشتی‌ناپذیری علیه محاکم‌مهردار اعظم آغاز نمود و این امر تجدید مبارزه‌ی بود که ریشه آن به‌قرن‌های پیشین کشیده می‌شد.

در این موقع لرد السمر ۲۸ مهردار و سر ادوارد کوک ۲۹ قاضی‌القضات ۳۰ بود. این حقوقدان بزرگ که با تالیفات ارزنده خود جای مهمی در حقوق‌انگستان بدست آورده بود به‌طرفداری از محاکم‌مهرداری با پارلمان مخالفت میکرد و چون مبارزه شدت یافت داوری پیش جاک اول پادشاه انگلستان بردند. پیدا بود که تمایلات استبدادی مقام سلطنت نتیجه را به‌نفع محاکم‌مهرداری پایان میداد. چنین هم شد و داوری پادشاه در ۱۶۱۶ به‌محاکم ابلاغ گردید.

مهردار که در این میان فاتح شده بود به‌اختیارات تحصیل شده قناعت ورزید و دنبال بلندپروازی نرفت تا جائیکه حق نظارت پارلمان را برآراء خود پذیرفت. پایین‌ترتیب می‌بینیم که در ۱۶۲۱ برای نخستین بار نسبت به‌رأی محکمه مهردار در دیوان لردها تجدیدنظر بعمل می‌آید.

همین انعطاف و نرمش که نتیجه دوران‌دیشی بود باعث شد که پس از انقلاب ۱۶۴۸ محاکم‌مهرداری به‌حالت سابق باقی ماندند و توافق‌هایی که بین محاکم وستمینستر و مهرداری برقرار شده بود بمنزله روابط و مناسبات بین شاه و پارلمان تلقی گردید.

با توجه به‌جریان امر می‌بینیم که مبارزه دو سیستم دادرسی بدون فتح نمایان از طرف یکی و مغلوبیت از طرف دیگری به‌پایان رسید. خاصه آنکه پس از دوره رجعت ۲۱ و از سال ۱۶۷۳ بعد صدراعظم‌ها از میان حقوقدانان انتخاب می‌شدند نه از میان رجال سیاست.

این امر موجب آن شد که بعداً تحول عمیق و اساسی در آئین دادرسی و رویه معمولی محاکم‌مهرداری بوجود آمد و نزدیکی آن با روش محاکم کامن‌لا بیشتر گردید. تا جائیکه پارلمان در روش دادرسی انصاف دخالت کرد و بموجب تصمیم‌سال ۱۷۲۹ ماستر‌آف‌رونو ۳۲ که از طرف پادشاه تعیین شده و نماینده مهردار بود به‌عنوان معاون صدراعظم ۳۳ به‌ریاست محکمه بدایت در دادگاه‌های مهرداری منصوب شد و تجدیدنظر در آراء آن دادگاه به‌مهردار رجوع گردید و بالاخره در ۱۸۴۲ بجای یکنفر سه نفر معاون صدراعظم تعیین شد.

پایین‌ترتیب از یکسو اختیارات سلطنتی در مسئله حقوق قدیمی اجرای عدالت محدود شد و از سوی دیگر دوگانگی روش دادرسی انگلستان همچنان باقی ماند.

- 28) Lord Ellesmere
- 29) Sir Eduard Coak
- 30) Chief Justice
- 31) Restauration
- 32) Uaster of Rolls
- 33) vice-chancellor